



RahaiZan.Org

سازمان رهایی زن

The Organization for Emancipation of Women

نشریه ماهانه:
3rd Series, Issue 80
سری سوم، شماره 80
فروردین 99، March 2020

سرمدیر: مینو همتی

Editor-in-chief: Mino Hemati
Email: minohemati@gmail.com

مدیرمسئول: شراره رضایی

Managing editor: Sharareh Rezaei
Email: shararehrezai.p@gmail.com



مطالب

گزارش 8 مارس در اشتوتگارت-آلمان
گزارش از: مریم رمضانی گیوی

زننده یادهشت مارس مروی برهشت مارس در
کردستان دیبا علیخانی

قرنطینه را سخت نگیریم
فرخنده آشنا

فحشا و قاتون سکس در جمهوری اسلامی
مریم مرادی

فصلی برای رهایی
م. ش (هستی)

به امید نوروزهای بهتر، توام با سلامتی و شادابی
سازمان رهایی زن

همجنس گرایی ژنتیکی یا اکتسابی است؟
شیما مقدم

وضعیت حقوق بشر در ایران
مرضیه آدمی

گزارش تصویری از 8 مارس در سراسر دنیا

گزارش 8 مارس در بروکسل- بلژیک
گزارش از: سعیدمحمدی

مادر سپیده فرهان از بازداشتی های دیمه
"سپیده غیرقانونی در زندان اوین بلاتکلیف
است"

توصیه های دانشگاه جان هاپکینز برای جلوگیری
از آلودگی به ویروس کرونا

صفحه ی ویژه

* توصیه های دانشگاه جان هاپکینز برای
جلوگیری از آلودگی به ویروس کرونا

راه های تماس با سازمان رهایی زن و نمایندگان
آن در شهرها و کشورهای مختلف

معرفی سایت های برنامه های تلویزیونی، نشریه
ها و تلگرام

Stay Home to Get Back to Life

در خانه بمان تا به زندگی برگردی



به نشریه رهایی زن بپیوندید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی. از زندگی زنان (خودتان) و کودکان...، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل های زیر ارسال کنید.
Markazi@RahaiZan.org

گزارش 8 مارس در اشتوتگارت-آلمان گزارش از: مریم رضائی گیوی

روز شنبه، ۷ مارس ۲۰۲۰ برابر با ۱۷ اسفند ۱۳۹۸، به فراخوان سازمان ها و احزاب و جریانات چپ، پیشرو و مترقی از جمله: سازمان رهایی زن، حزب حکمتیست-خط رسمی و حزب مارکسیست لنینیست (MLPD)، گروه زنان کوراژ (Courage) و گروه Der Bund Sozialistischer Frauen و برخی دیگر سازمانها مراسمی به مناسبت روز جهانی زن در مرکز شهر اشتوتگارت - آلمان در میدان شلوس پلاتس (Schlossplatz) برگزار شد که جمعیتی بالغ بر سیصد نفر در آن شرکت نمودند. مراسم ساعت ۱۵:۰۰ با ارائه تاریخ روز جهانی زن و اهداف فراخوان دهندگان در این روز شروع شد. اجرای نخستین برنامه به تئاتر سازمان رهایی زن و حزب حکمتیست خط رسمی و بازیگر مهمان از عراق اختصاص داشت تا برنامه مشترک خود را اجرا نمایند.

تئاتر موزیکال با توضیحات و معرفی از طرف سناریو نویس و مسئول برنامه مریم رضائی گیوی ارائه شد که به شرح زیر می باشد: "امروزه همه شاهد آن هستیم که زنان در صف اول تحولات و انقلابات جهان از افغانستان تا ایران و لبنان و شیلی و فرانسه و عراق و در سراسر دنیا قرار دارند از این رو با ابتکار سازمان رهایی زن و حزب حکمتیست-خط رسمی و اجراکنندگانی از کشورهای مختلف تلاش داریم که گوشه کوچکی از نقش و جایگاه زنان در مبارزه طبقاتی مان برای رهایی و برابری و حرمت انسانی را به نمایش بگذاریم." سپس تئاتر در 4 سکانس کوتاه به نقش قدرتهای سرمایه داری جهان در تعرض به معیشت، رفاه، آزادی و امنیت در جوامع مختلف به عنوان نمونه ادامه یافت. از جمله تحولات عراق، افغانستان، لبنان، فرانسه، ایران. تئاتر با اجرای زنده خواننده رپ مهران رضائی و سروده ایشان در این خصوص همراه بود. شعارهای این نمایش:

"سرود معروف کشورهای عربی: انقلاب علیه گرسنگی ادامه دارد (با اجرای عربی و آلمانی)"
 "ما خواهان رهایی جامعه از یوغ قوانین مذهبی و طالبانی هستیم. آزادی و برابری حق ما است. در خصوص تاثیرات توافق آمریکا با طالبان و حقه کردن دوباره ارتجاع مذهبی به افغانستان (به زبان دری و آلمانی)"
 "خواست مزد و موقعیت شغلی برابر و اجرای قوانین برابری طلبانه در اروپا که دولتهای نئولیبرالیسم و سرمایه دار اروپایی و آمریکایی که فقط به دروغ، پوز آن را به خود گرفته اند (به زبان انگلیسی و آلمانی)"
 "خشونت سیستماتیک پلیس باید متوقف شود. ما حقوق مناسب و رفاه اجتماعی مان را می خواهیم. در خصوص مطالبات اعتراضات فرانسه (به زبان فرانسوی و آلمانی)"
 "خواست سرنگون و بیرون راندن ارتجاع اسلامی و حکومت ضد زن از جامعه ایران (به زبان فارسی و آلمانی)".
 در سکانس آخر خواننده رپ با ارائه شعری با مضمون ما بر قیرهای این نظام اروونه و ضد بشری حاکم بر جهان امروز خواهیم رقصید. بالرین، رقص زیبایی باله با سرود "سرآمد زمستون" را اجرا و تئاتر با تشویق جمعیت به اتمام رسید.
 در ادامه نیز گروه های مختلف به ارائه سرود دسته جمعی و یا خواندن بیانیه های خود در خصوص اهمیت روز جهانی زن مراسم ادامه یافت و با رژه ویژه این روز در خیابانهای اشتوتگارت به پایان رسید.

زنده باد هشت مارس روز جهانی زن سازمان رهایی زن



زنده باد هشت مارس
مروری بر هشت مارس در کردستان
دیبا علیخانی
فعال حقوق زنان و کودکان



جهان دیگری با دستهای همه ی ما ممکن است.

امروز هشت مارس است و برای من و خیلی ها فراتر از یک تاریخ عادی در تقویم روزمره گی است. هفته ی گذشته برنامه ای از طریق فعالین حقوق بشر در احزاب مختلف پارلمان انگلیس برای بزرگداشت روز جهانی زن ترتیب داده شده بود و من هم بعنوان یک سخنران زن و فعال حقوق زن دعوت شده بودم.

در مراسم روز جهانی زن در پارلمان باید تاریخچه ای از فعالیتهای زنان در ایران و مشخصا در کردستان ایران بعد انقلاب ارایه می شد. در حین نوشتن متن سخنرانی، باید به گذشته های دورتر از هشت مارس های تاریخی شهرهای کردستان و سنندج در سالن آزادی و سینما بهمین نگاهی می انداختم، تا هیچ چیز از قلم نیافتد. زندگی و مشقت های آن، از من نوعی، انسان خوش شانسی ساخته بود که قادر به دیدن دیگران و تأثیرات مثبت شان بر دنیای پیرامون مان باشم. دیگرانی که اینگونه بودن و اینگونه نگرستن امروز ما را ممکن کردند. خیلی بچه بودم که اولین بار، اسم هشت مارس را از فریده آقاجانی و حوری غمیان که از فعالین چپ در سنندج بودند، در یک مناسبت فامیلی شنیدم. فریده و همچنین زنده یاد صبری دوستکامی، از جانبختگان گردان شوان، همیشه مشوق ام برای خواندن آثار ادبی انقلابی در دوران کودکیم بودند. بعدها از طریق پدرم اطلاعات بیشتری در مورد هشت مارس و مبارزات زنان بدست آوردم. پدرم با دادن کتابهای مختلف به من، مانند زندگینامه ی جمیله بویاشا از اعضای جبهه آزادیبخش ملی الجزایر، او را به قهرمان و رول مدل کودکی

ام تبدیل کرده بود. جالب این بود که پدرم می توانست ساعتها راجع به شکنجه و تجاوز به انسانهای مبارز در سراسر دنیا بعنوان پدیده ای عادی برایم حرف بزند. شاید هم ناخودآگاه مثل همه ی پدرها، می خواست دخترهایش را که برادر بزرگتر نداشتند اینطور قوی و مستقل در جامعه ای مردسالار، باربیاورد. اما هر چه بود شجاعت و ریسک پذیری و عدم تمکین به شرایط حاکم بر زندگی زنان را جز لاینفک شخصیت ام در همه ی دوران زندگیم ساخت.

بعد از آن، سالهای دوران راهنمایی در مدرسه، گرامیداشت هشت مارس و نوشتن شعار برابری زن و مرد در شکلاتهای روز و قراردادن آن در زیر کتوهای تحریر دانش آموزان، برایم تبدیل به یک وظیفه و عادت همیشگی شده بود. این اواخر و بعد از اعدام زنده یاد جمال چراغ ویسی، فعال کارگری قهرمان، پدرم هم که میدانست نمیتواند مانع شود، در این راه کمک میکرد. سالها بعد که برای دانشگاه به تهران رفتم به چند مراسم خانگی هشت مارس دعوت شدم. این مراسم ها بیشتر مختص قشر نویسندگان و شعرا و هنرمندان مترقی بود. به مرور، هشت مارس برایم فراتر از یک نماد مبارزه و تبدیل به رمز شبی شده بود که از طریق آن به محافل روشنفکری و سیاسی وقت، در تهران راه پیدا کردم. محافلی که شانس و افتخار آشنایی و دوستی نزدیک با شعرا و نویسندگان بزرگی چون محمد مختاری، جعفر پوینده، احمد شاملو و سیمین بهبهانی را به من داد و به این شکل تمام مسیر زندگی جوانی ام عوض شد. بخاطر می آورم که اکثر عصرینج شنبه ها را در ظهیرالدوله، آرامگاه فروغ فرخزاد که محل تجمع جوانهای مترقی آن دوره در تهران بود، می گذراندم. آنجا بود که از طریق کار بعنوان تهیه کننده و گوینده به رادیو پیام راه پیدا کردم و فرصتی برایم فراهم شد که در روزنامه و هفته نامه های پایتخت راجع به زنان بعنوان قربانیان اصلی خشونت های خانگی و فقر و فحشا که موضوع اصلی مرتبط به کار و درس در زمینه روانشناسی بود، بنویسم. بعد از اتمام درس برای کار به کردستان برگشتم.

تجربه زندگی در تهران، آنهم در قلب محافل روشنفکری، مکمل تجربیات کودکی و نوجوانی ام در کردستان شد و با پیدا کردن انسانهای همفکرو دوستانی بسیار دلسوز، اولین نهاد زنان در کردستان به اسم جامعه ی حمایت از زنان تاسیس شد. جامعه ی حمایت از زنان به سرعت توانست در محفل های مختلف و در شهرهای مختلف محبوب شود و برگزاری مراسم ها ی باشکوه و تاریخی

هشت مارس با شرکت چندین هزار نفر در سالهای هشتاد و دو و سه و چهار و پنج شمسی یکی از برگهای برنده کارنامه ی فعالیتهاش است.

خواست و مطالبات مطرح شده در این مراسم ها هنوز جزانسانی ترین و مدرن ترین مطالبات زنان در دنیای امروز است و برآورده شدن چنین مطالباتی قطعا دنیایی عاری از خشونت و توحش را برای بشر امروز رقم خواهد زد.

یادم می آید که سالها پیش تر در دوره ی دانشگاه چندین زمستان هشت مارس را در تهران جشن گرفتیم. اما هیچگاه هشت مارس در تهران با استقبالی که در کردستان داشت، برگزار نشد.

آن روزها که جوانتر بودم، و به اقتضای سن و بی تجربه گی، امتیاز تمام کارهای خوب را به خودت میدهمی و تقصیرات را با اشاره انگشتی به سمت دیگران نشانه میروی تا هیولای سیری ناپذیر ایگوات آرام شود، تمام امتیاز آن افتخارات را به دوستانم و خودم و در کل بچه های جامعه ی حمایت از زنان می دادم.

اما اکنون، در مراسم هشت مارس پارلمان، باید حقیقتی بزرگتر را برای زنان فمینیست سفید و آنهم در قدرت، توضیح می دادم که چرا هشت مارس در دوره ای معین و نقطه ای مشخص از خاورمیانه و در کردستان باشکوهتر و با استقبالی بیشتر روبرو می شد. کردستان همیشه جبهه جدال جریانات ارتجاعی و مذهبی با جنبش آزادیخواهی و چپ مترقی بوده است و نبض این تحركات انقلابی هنوز بعد سالها سرکوب و اختناق مشخصا در همه ی شهرها ی آن می تپید. اما روال فعالیتها اینطور نبود که برای برگزاری هشت مارس یک شبه فراخوانی داده شود و فردایش چند هزار نفر در سالن ورزشی آزادی یا سینما ی شهر جمع شوند. کسانی که تجربه ی فعالیت اجتماعی در هرزمینه ای دارند، کاملاً آگاهند که جلب اعتماد مردم در هر جامعه ای و مخصوصا یک جامعه ی اختناق زده، کاری نیست که یک شبه اتفاق بیافتد.

مردم به کسانی که در کنارشان هستند و مبارزه و زندگی شان به هم گره خورده است، افتخار و اعتماد می کنند و این بزرگترین شانس برای خلق چنان اتفاقات تاریخی بی نظیر در دوره ای مشخص است. هنوز هم بعد سالها که به گذشته بر می گردم و حتی، امروز که رژیم اسلامی در ناپایدارترین دوران حیاتش به سر میبرد امکان برگزاری چنان تجمعات باشکوهی وجود ندارد. و برای همین تعهد دارم که از تمام عناصری که به اتفاق هم بخشی از تاریخ پر افتخار

جنبش دفاع بی قید و شرط از حقوق انسان را ساختند یادی بکنم.

نمیشود از هشت مارس های تاریخی سنندج و بقیه ی شهرهای کردستان نام برد و از نقش زنان و مردان پیشرو و دست اندرکار جامعه ی حمایت زنان که شجاعانه زندگی شان را ریسک میکردند غافل بود. به همان اندازه که نمیشود نقش تک تک افراد و جریانات و احزاب چپ و مترقی را که با سالها مبارزه و تلاش در جامعه بستری مساعد تر برای صدای زنان فراهم کرده بودند نادیده گرفت. و مهمتر از همه نمیشود نقش مردم تشنه ی آزادی و جهانی بهتر را نادیده گرفت که با حمایت شان و با حضور شجاعانه شان در مراسم ها ی هشت مارس ، و بقیه مراسم ها و کارگاههای دیگر، تاریخی پر افتخار را برای خودشان و آینده گان رقم زدند. همان مردمی که هنوز از پا ننشسته اند و شهر به شهر ، کوی به کوی طومار و امضا جمع می کنند و حکم اعدام ها را لغو می کنند ، و در اعتراض به اعدامها اعتصاب میکنند و با هر حرکت و تلاششان ، نور امید به قلب میلیونها انسان در جامعه ایران و حتی در تبعید می تابانند که جهان دیگری با دستهای همه ی ما ممکن است.

هشت مارس بر تمامی زنان و مردان حق طلب و آزادیخواه گرامی باد و به امید دنیایی به دور از سیاهی های امروز، دنیایی که تمام شعارها و مطالباتش برای تحقق جهانی شایسته ی بشر، نه بر روی پلاکاردها بلکه به بیدیترین حقوق پایه ای انسانها تبدیل شود./

قرنطینه را سخت نگیریم فرخنده آشنا



پینه ببندد. مدتی با چای صبحانه که خیلی هم برابم گرانقدر بود و نیازش داشتم خود درمانی کرده چشم را شستشو داده ولی افاهه نکرده بود. چند بار هم به نگهبانان گفته بودم مرا به بهداری ببرند ولی میگفتند: "نترس سر و مر و گنده ای حالا حالا نمی میری". من هم جواب میدادم البته که نخواهم مرد! بختیاری مسئول بند بود که گاهی همراه دیگر نگهبانان برای پخش نهار میآمد تا هم زندانی را ارزیابی کند و هم نگاهی به سلول بیندازد. وقتی به سلول من آمد به او گفتم مرا باید به بهداری ببرید، چشم ناراحت است. بختیاری گفت: "تو چشم لازم نداری. بهداری در کار نیست انقدر در سلول خواهی ماند تا موهایت هم مثل دندانهایت سفید شود." گفتم: فعلا تو موهایت سفید شده از زمان شاه تا حالا در زندانی. بختیاری از حرفم جا خورد و بشقاب غذایم را پرت کرد توی سلول و مرا گرفت و به دیوار کوبید. در حالی که فحاشی میکرد موهایم را چنگ زد و کشید. من با دو دستم دستش را گرفتم یک لگد هم به پایش زدم و فریاد زدم ساواکی کثافت...!

و ماجرا ادامه دارد.

شتاب در سلول قدم میزند. فکر کردم آیا متوجه خطری شده است. پس چرا اعلام خطر نکرد؟ نه! دادن علامت خطر تولید صدا میکرد و نگهبان در بند بود. من هم سریع حالت عادی به خودم گرفتم. و منتظر ماندم. یکی از رفقای سلول های نزدیک درب بند ورودی بند علامت رفع خطر و "وضعیت سفید" (رفتن نگهبان از بند) را اعلام کرد. رفیق روبرویی که با هم مورش میزدیم. بارمز مورسی خاص خودمان مرا خواست. پرسید: "منظورت چی بود که زدی خفه شو؟" خنده ام گرفت. فهمیدم که او متوجه منظور من نشده است. حالا نمیتوانستم جلو خنده ام را بگیرم. چهره اش را پیش چشمم مجسم میکردم زنده یاد دکتر مهوش با قلبی مهربان و بسیار مبادی اداب چگونه چشمانش از بی نزاکتی من از تعجب گرد شده که مثل فنر از جا پریده است. بر گشتم زیر در و توضیح دادم. حالا او بود که میخندید.

ما برای مورش زدن مجبور بودیم کف سلول دراز بکشیم و یکطرف صورتمان را به کف سلول بچسبانیم. من عادت کرده بودم به سمت چپم دراز بکشم و همین باعث شده بود که چشم چپم دچار عفونت شود و گونه چپم هم

سخت این است که ارتباط انسانها با هم قطع بشود و متوجه این نشویم که چرا دچار این محدودیت شده ایم. یادم میاید سال ۶۲ در زندان گوهر دست از طریق مورش نوری از زیر درب سلول با رفیق روبرویی ام در حال به قول امروزی ها چت بودیم که پای نگهبان را دیدم که اهسته و پاورچین توی راهرو بند راه میرفت. طوری که به خیالش کسی متوجه حضورش در بند نشود تا بلکه بتواند مچ ما را هنگام ارتباط با زندانی هم بندمان بگیرد. تا انتهای بند رفت و سکوت همه بند را فرا گرفته بود. به خیال نگهبان هیچکس نمیتوانست نتق بکشد. وقتی نگهبان از انتهای بند بر می گشت شروع کرد به رجز خوانی: "اینجا گورستان شماست. هیچ صدایی نباید از سلولی بیرون بیاید. عطسه و سرفه کردن ممنوع! و گر نه جانی میفرستیم که حتی اسمتان را فراموش کنید. حال همه تان را جا میاوریم. این جا اوین نیست" من در همان حال داشتم به رفیقم مورش میزدیم. مورش زدم: خفه شو! رفیقم پرسید چی؟! دو باره مورش زدم: خفه شو! البته منظورم به رجز خوانی نگهبان زن (نادری) بود ولی رفیقم سریع از جایش بلند شد. تعجب کردم. یا هایش را دیدم که با



فحشا و قانون سکس در جمهوری اسلامی
مریم مرادی



از سالها پیش موضوع فحشا (که در برخی جوامع به عنوان حرفه ای قانونی شناخته شده) و علل آن، مورد بحث و بررسی بسیاری از جامعه شناسان بوده است. اما آمار فحشا در ایران غیررسمی است و مسئولان در گذشته با مردود دانستن آمار شفاهی از پرداختن به این موضوع طفره رفته اند.

در هر حال، گزارش های تحقیقی و خبری در این زمینه حاکی است که در جوامع مختلف علل مشابهی را می توان برای فحشا ردیابی کرد. سرخوردگی در خانواده، خیانت از سوی مرد مورد علاقه و اعتیاد به مواد مخدر از جمله این دلایل است. اما شاید اصلی ترین دلیل این گروه از زنان برای ادامه یا بازگشت به این حرفه نیازهای معیشتی باشد

امروز فحشا یکی از نابسامانیهای بزرگ اجتماعی در ایران میباشد که به شکلهای مختلف چه علنی و چه مخفی در سراسر کشور رایج گشته است. اگر فحشا را فروش بدن زن در ازاء مبلغ معینی- جهت کسب لقمه نانی- بدانیم آنگاه وجود چند صد هزار دختر خیابانی بخصوص در تهران جلوه آشکاری از این واقعیت میباشد. بخش به اصطلاح مخفی آن را هر شب در گوشه و کنار خیابانها علنا میتوان دید اما بخش علنی آن تحت عنوان متعه (ازدواج موقت) صورت میگیرد. که از طرف رژیم حاکم هم تبلیغ میشود. بر کسی پوشیده نیست که علت اصلی رواج فحشا، فقر و فلاکت است که عامل اصلی آن در ایران جمهوری اسلامی به مثابه رژیم حافظ نظام سرمایه داری ایران است. واقعیت این است که شرایطی که نظام اقتصادی و جمهوری اسلامی بر کشور حاکم کرده برای بخشی از زنان بخصوص زنان تنها (مطلقه) که مجبور به تامین معاش خود و فرزندان شان میباشد امکان تامین زندگی را آنچنان سخت نموده است که

- تن فروشی را به مثابه یک راه حل در مقابل آنها میگذارد. وخیمتر شدن شرایط اقتصادی و اجتماعی، فقر روزافزون و تشدید شکاف طبقاتی و رشد روزافزون بیکاری بطور طبیعی نتیجه ای جز گسترش فحشا حال چه بصورت علنی و چه مخفی نمیتواند داشته باشد.
- علیرغم تبلیغ رسمی صیغه یعنی نوع علنی فحشا اما رژیم جمهوری اسلامی زنانی را که (بدون صیغه شدن) به تن فروشی رو می آورند مورد آزار و اذیت قرار میدهد و سعی دارد به ظاهر با این معضل اجتماعی به این طریق مبارزه کند. پاسخ او به این مشکل اجتماعی دستگیری این زنان، زندانی کردن و حتی سنگسار آنان است. از سوی دیگر رژیم مدعی است که با تشکیل خانه های "عفاف" که در آنها زنان بطور قانونی به کار خود یعنی تن فروشی ادامه میدهند با این معضل اجتماعی در حال مبارزه است.
- اما باید دید که چرا علیرغم اینکه سردمداران جمهوری اسلامی بیش از 4 دهه است که این راه حل را تبلیغ و به شکلهای مختلف راه اجرای آن را تسهیل نموده اند باز شاهد گسترش روز به روز تعداد زنان خیابانی هستیم.
- عمل صیغه چه در گذشته و چه امروزه در میان مردم عمل غیراخلاقی، غیرانسانی و منفوری شناخته شده است. بعد از روی کار آمدن رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و رواج گسترده تر تفکرات ارتجاعی و مذهبی صیغه نیز وسیعا تبلیغ شد و به دلایل شرعی قانونی هم تلقی شد. در قوانین ایران ازدواج موقت یا صیغه در مادهی 1076 و 1075 قانون مدنی و مادهی 1095 قانون مدنی درج شده است.
- برای آشنائی بیشتر و بهتر با راه حل جمهوری اسلامی برای مقابله با خودفروشی زنان ضروری میبینم که قسمتی از کتابی به نام "قوه باه" را که بطور مفصل به آثار معنوی!!! و اجتماعی!!! ازدواج موقت (صیغه) اشاره کرده است را در این جا نقل کنم تا خواننده ضمن آشنائی با مبانی شرعی این امر همچنین با تصویر غیرانسانی ای که در تفکر این جماعت از زن داده میشود نیز آشنا شوند. در این کتاب آمده است که:
- ازدواج موقت فواید بسیاری دارد. از جمله آثار معنوی آن این است که ایمان را کامل میکند. متعه از جهات گوناگون میتواند بهترین راهکار و مناسبترین عمل در موارد ذیل باشد:
- هنگامی که زن در ایام عادت ماهانه و حاملگی و مریضی است و مرد نمیتواند با او هم بستر شود.
- اگر کسی همسرش بددهان و بی ادب و آزاردهنده باشد و مرد توانایی استخلاص از آزار و اذیت او را ندارد و ضمنا به علت مسائل متعدد نمیتواند او را طلاق دهد.
- کسانی که با همسران خود اختلاف پیدا کرده و گرفتار دادگاه خانواده شده اند و تا مدتی از همسرشان جدا هستند.
- جوانانی که نیروی شهوت و غریزه جنسی بر آنان غلبه میکند و بیم آن دارند که به گناه و زنا آلوده شوند.
- برای افرادی که همسرشان را از دست داده اند و بچه هایشان مخالف ازدواج دوم هستند.
- مردانی که دارای مشاغلی مانند رانندگی هستند، یا افرادی که دائم در مأموریت های اداری و بازاریابی و... در شهرهای دیگر بسر میبرند و از شهر و خانواده خود دور هستند.
- برای مردان سالخورده و زنان میان سال و پیر که همسران خود را از دست داده اند، مناسب است و باعث آرامش روحی آنان میشود.
- زنانی که بیوه هستند و به دلالتی امکان ازدواج دائم ندارند و در تامین مخارج زندگی در عسرت و سختی بسر میبرند.
- چنانچه فرهنگ متعه در جامعه رواج پیدا کند، بسیاری از مشکلات و معضلات اجتماعی قابل حل خواهد بود و از فساد و اعمال منافی عفت جلوگیری میشود.
- مردی که از استطاعت مالی برخوردار است و در همسایگی او زنی فقیر و خانواده ای بی سرپرست زندگی میکنند، با انجام ازدواج موقت، گذشته از سرپرستی و تامین مخارج آن خانواده، احتیاجات جنسی زن را نیز بر طرف میکند.
- مردان با ایمانی هستند نمازگزار و مسجدی و هیئتی و اهل زیارت که از توانایی مالی خوبی برخوردارند. این اشخاص خیر و نیکوکار میتوانند با انجام ازدواج موقت و بی سرپرست، از فقر و فساد در جامعه جلوگیری کنند.
- ازدواج موقت از نیازهای عاطفی مرد است. مردی که به ازدواج موقت روی می آورد، کسی است که زن دوست میباشد و روح این مرد از مهر و محبت و عاطفه سیر نمیشود، ... بنابراین مردی که اهل ازدواج موقت است، چون زنان دیگر را دیده و آنان را از جهات مختلف روحی و جسمی تجربه کرده و زن خویش را از دیگران شایسته تر یافته است، آنگاه همسر قانونی خودش را از همه زنان بیشتر دوست میدارد.

طبق آمار سازمان بهزیستی، از پانزده هزار کودکی که تحت پوشش سازمان بهزیستی قرار میگیرند، 3/14 درصد آنها را کودکانی که حاصل این نوع ازدواجها هستند تشکیل میدهند.

مسئله دیگر افزایش بیماریهای جنسی از جمله بیماری ایدز در میان زنان و مسئله سقط جنین که اغلب اوقات بطور غیرقانونی و پنهانی صورت میگیرد از جمله پیامدهای این پدیده است.

فحشا یک پدیده دیرپای اجتماعی است که ریشه در سیستم اقتصادی جامعه دارد. پدیده‌ای که در آن زنان به بدترین شکل ممکن استثمار میشوند. برده گی انسانها در جوامع سرمایه‌داری خود را در شکل‌های مختلفی نشان میدهد و تن‌فروشی یکی از آن صدها شکل استثمار تحت حاکمیت رژیم‌های سرمایه‌داری است. امرار معاش از طریق تن‌فروشی عملی است که دلیل اصلی آن عمیقاً در اقتصاد نهفته است. در شرایط اجتماعی تفرار امروز و تهیدستی رو به رشد انسان‌ها ما هر روزه شاهد رشد و تداوم غارت حریم‌های غرور و ارزش‌های انسانی این زنان درمانده هستیم. زنانی که دیگر توان تحمل بیکاری و گرسنگی فرزندان و خانواده خویش را ندارند.

برای نابودی پدیده فحشا، یکی از وحشتناکترین و وقیح‌ترین فرم استثمار انسان از انسان، نیاز به دگرگونی عظیمی در تمام ساختمان اجتماعی و اقتصادی جامعه و نابودی نظام حاکم است که البته جزء از طریق یک انقلاب قهرآمیز امکان‌ناپذیر نیست.

- ولی و شهود لازم نیست.
- مهریه را به اندازه‌ای باید داد تا وقت تمام شدن شرط زن نزد مرد بماند.
- ازدواج موقت با دختر باکره مکروه است چنانچه به آن دختر عیبی برسد.
- (قانون قوه باه، آداب زناشویی، رهنمودهای چهارده معصوم، تالیف محمد ابراهیم آوازه (رضوی) عضو موسسه تحقیقات حجامت ایران، انتشارات سلسله، چاپ چهارم، مهرماه 1383)

تردیدی نیست که بخش بزرگی از زنانی که اقدام به ازدواج‌های موقت میکنند از سر ناچاری و خلاصی از فقر و زندگی پر مشقت‌شان به این کار زشت تن میدهند.

آسیب‌های اجتماعی ناشی از تن دادن به چنین ذلتی بشمارند که در اینجا به چند نمونه از آن اشاره میشود:

عمل صیغه اگر چه در ایران عملی شرعی و قانونی محسوب میشود ولی به لحاظ اجتماعی همچنان از سوی مردم عملی غیراخلاقی و غیرانسانی است و کسانی که دست به این کار میزنند احترام و اعتبار اجتماعی خود را از دست میدهند و به دیده حقارت به آنان نگاه میشود.

در اثر ازدواج‌های موقت، سالانه کودکان بسیاری متولد میشوند که فاقد شناسنامه هستند و تا مدتها و شاید برای همیشه فاقد هویت اجتماعی و اعتبار شهروندی میشوند. (گزارش ایران) کودکانی که در ازدواج‌های موقت بدنیا می‌آیند همانطور که در احکام و قوانین این امر درج شده، پدر در مقابل کودکی که حاصل این ازدواج است هیچ مسئولیتی ندارد.

• از خواص دیگر متعه این است که وقتی مرد می‌تواند با دختر و زن بیوه ازدواج کند، دیگر با زنان شوهر دار زنا نمی‌کند و این عمل از بروز فساد و ارتکاب زنا می‌محصنه جلوگیری خواهد کرد.

البته ازدواج موقت دارای احکامی است که بطور مختصر به آنها نیز لازم است اشاره شود:

• ازدواج موقت باید نزد محضردار یا عاقد خوانده شود.

• در متعه محدودیت تعداد نیست. در متعه میتوانی با هزار نفر ازدواج کنی که آنان همانند مستاجر میباشند. (یعنی در حقیقت آنها را اجاره میکنی).

• در آن درهم و دینار جایز است. ماهی چهل یا پنجاه هزار تومان خرجی به زن میدهند و یا برای چند روز فلان قدر پرداخت میکنند.

• دو شرط اصلی متعه یکی وقت و زمان مشخص و دیگری مهریه معلوم میباشد.

• ابراهیم آوازه نویسنده کتاب مزبور در مورد حکم ازدواج‌های موقت و مکرر میگوید: اگر مردی ازدواج موقت میکند و مدت آن میگذرد، سپس مرد دیگری با همان زن ازدواج موقت میکند و پس از آن دیگری با آن زن ازدواج موقت میکند، اگر مرد اولی دوباره با آن زن ازدواج موقت کند حلال است. چون این زن آزاده نیست، بلکه مستاجر و به منزله کنیز میباشد.

• بچه در متعه برای زن است و مرد در قبال آن هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد.

• متعه هر مدتی میتواند باشد. یک ساعت، دو ساعت، یک روز، دو روز.

• در جائیکه زن مسلمان متعه نمیشود میتوان یهودی و نصرانی و حتی مجوسی (زرتشتی) متعه کرد.

• با زنی که در محل زندگی و اهل محل پی به کار او ببرند متعه نکن. ولی اگر در جایی دورتر از محل زندگی او باشد، اشکال ندارد.

• در متعه طلاق لازم نیست و زن ارث نمیبرد.

• ازدواج موقت با زن فاحشه‌ای که پرچم نیفراشته و کسی از کار او خیر ندارد خوب است. اگر هم پرچم برافراشته باشد، مهم نیست چون یک عمل حلال صورت میگیرد.

• اگر زنی در قید متعه شخص دیگری بوده و وقت متعه و عده‌اش تمام نشده، خود را به مرد دیگری متعه کند و مرد این را بفهمد لازم نیست مهریه او را بپردازد.

ویروس گرسنگی هر روز هشت هزار کودک را در دنیا می‌کشد. در حالی که واکسن آن (غذا) هم وجود دارد. اما شما چیزی از آن در رسانه ها نمی‌شنوید می‌دانید چرا؟ چون گرسنگی ثروتمندان را نمی‌کشد.



فصلی برای رهایی
م. ش (هستی)



مذهب توهینی به حرمت بشریت است. انسان‌های نیکوکار به عمل خیر خود و شیطان‌صفتان به زشتکاری خود ادامه می‌دهند، خواه متدین، خواه مرتد. اما انسان نیک برای ریاکار شدن، نیاز به دین دارد. "واینبرگ"

این روزها تمام دنیا غرق در بحرانی وصف نشدنی است که فقط در داستان‌ها و فیلم‌های تخیلی مقدور می‌شد. همه در پستوهای خانه پنهان شده اند و در مقیاس کوچک و غیر

قابل مقایسه ای می‌توانند تصویری از زندان داشته باشند هر چند در این زندان خانگی نه زندانبانی هست نه بازجویی و نه شکنجه ای توهین و تهدیدی نه قید و بند آنچنانی. بلکه تجسم شرایط عزیزان زندانی است که ماهها و سالها و بلکه دهها در بند و اسیر هیولایی اند که این روزها گوشه های پنهانش هر چه بیشتر آشکار می‌شود.

شاید این ویروس با تمام ترس و وحشت و مرگ آفرینی پیام آور بیداری از خواب مرگواره و نوید دهنده در هم پیچیدن طومار بختکی بنام حکومت دینی ای باشد که زندانها ساخت نه که برای امنیت جامعه بلکه برای خفه کردن ندهای ظلم ستیز و حقگو، بختکی که به وحشیانه ترین شیوه های ممکن ملتی را به اسارت گرفته و از هر روشی برای استعمار فرصت جسته.

حکومتی که از اولین روزهای موجودیتش معیارش بر قتل و غارت و پاشیدن تخم تفرقه و نفرت دینی و خرافه پرستی و تجاوز به حقوق انسانی و مدنی مردمی شد. حکومتی که در دوران سیاهش بر همه هر آنچه که در معرضش بود تاثیر گذاشت و به تعبیری به فساد و نابودی کشاند. اما با تمام فرازاها و نشیب های ۴۱ سال عمر این موجود هزار چهره ، همه اتفاق نظر دارند که در امروز روز حکومت دینی در

موقعیت ضعف شدید و بهتر بگوییم در معرض نابودی قرار گرفته، موقعیت و وضعی که نه ناشی از اقتصاد، سیاست، روابط خارجی، اعتراضات و تحریمها بلکه عریان شدن و انعکاس ماهیت و موجودیت آن برای مردم دین باوری است که همواره بطور نسبی به خاطر اعتقادات مذهبی هم شده حداقل بعنوان طیف خاکستری سکوت می‌کردند. صحبت از وضعی است که شالوده حکومت دینی بر آن بنا شده. صحبت از معیارهای اخلاقی و مذهبی ای است که حتی در ظاهر هم دیگر انجامش برای رژیم امکانپذیر نیست.

برای سرزمینم این ویروس همزمان که درد رنج و مرگ به ارمغان آورده، یک به یک قفلها را از فکر و ذهن مردمان باز می‌کند و قفلها را بر دار الشفاهای که به حقیقت داربلا هستند، میزند.

نمایندگان خدایی که با جهل خود و عامه ای از مردم بر سرنوشت ملتی حاکم شدند و هر روز دست به نوآوریهای انسان ستیزی میزدند و سندش به اسم خدا، پیامبر و دین میزدند و خود را لحظه لحظه و جای جای زندگی مردمان وارد میکردند. باشد که همه درک کنیم فصل رهایی و تغییر در راه است.

به امید نوروزهای بهتر، توام با سلامتی و شادابی



در موقعیتی وارد سال نو میشویم که جامعه بشری دست بگریبان ویروسی خطرناکتر از حکومت اسلامی است. لیکن مردم ایران علاوه بر مبارزه خسته ناپذیر با ویروس اسلامی حاکم در چهل سال اخیر و همچنین بر اثر بی توجهی جنایتکاران حاکم هم اکنون با ویروس مرگبار کرونا نیز دست و پنجه نرم میکنند.

ضمن تسلیت به بازماندگان عزیزانی که جان خود را در ماههای اخیر، از خیزش آبان و هواپیمای اکراین تا شیوع کرونا در سراسر کشور از دست دادند، جا دارد که از کادر درمانی کشور که با فداکاری و از خودگذشتی به نجات شهروندان کرونا زده تلاش میکنند قدر دانی کنیم و پیگیر مطالباتشان باشیم.

در این شرایط استثنائی و خطیر ما خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی هستیم و رژیم اسلامی را مسئول جان این عزیزان میدانیم.

به امید روز رهایی از ویروس اسلامی کرونا گستر حاکم

سازمان رهایی زن

همجنس گرایی ژنتیکی یا اکتسابی است؟
شیمیا مقدم



شاید این سوال برای دگرجنسگرایان، یعنی اکثریت جامعه، بیشتر اهمیت داشته باشد چرا که بخشی از ساختارهای اجتماعی به آن ها القا می کند که دگر جنس گرایی، تنها شکل قابل قبول و طبیعی هویت و گرایش جنسی است. زکی استوکس مدیر ارشد برنامه گلد (GLAAD) در بیانیه ای گفت: «تحقیقات

جدید در زمینه ژنتیک شواهد بیشتری را ارائه می کند که همجنسگرا بودن یک بخش طبیعی از زندگی بشر است که بارها توسط محققان و دانشمندان در تحقیقات مختلف نشان داده شده است».

بررسی ژنتیکی حدود پانصد هزار نفر در بریتانیا و آمریکا نشان می دهد که هیچ ژن منفردی برای همجنس گرایی وجود ندارد. این بررسی نشان داد که هیچ ژنی را نمی توان ژن همجنس گرایی دانست و رفتار همجنس گرایی فقط تحت تاثیر مجموعه ای از تفاوت های طبیعی ژنتیکی (واریاسیون) است که حداکثر ۲۵ درصد بر رفتار همجنس گرایی تاثیر دارند.

گلد -یک نهاد غیر دولتی دگرباشان ناظر بر رسانه ها- گفت این تحقیق نشان داد "هیچ اندازه مشخصی وجود ندارد که ذات یا محیط چقدر بر رفتار فرد همجنسگرا تاثیر می گذارند".

برای این تحقیق، پژوهشگران دانشگاه هاروارد و ام آی تی، تمام محتوای ژنتیکی (ژنوم) نزدیک به نیم میلیون نفر را در بریتانیا و آمریکا بررسی کردند و از هر کس سوال کردند که آیا منحصرا همجنسگرا است یا با جنس مخالف هم همسری می کند. این پژوهشگران دریافتند با در نظر گرفتن

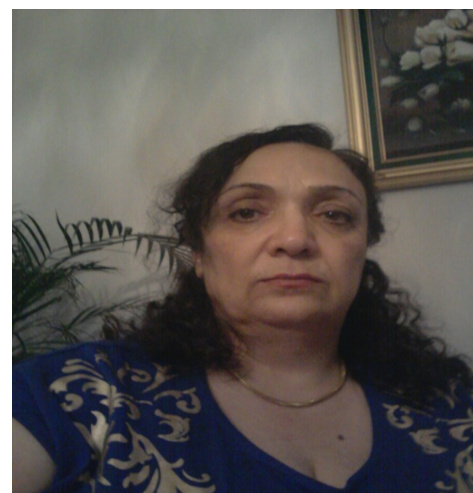
کل مجموعه ژن های مطالعه شده، ژنتیک در جمعیت مورد بررسی تاثیری بین هشت تا ۲۵ درصد دارد.

این تحقیق همچنین پنج واریاسیون ژنتیکی خاص را یافت که با رفتار همجنس گرایی رابطه نشان دادند، یکی از آنها به مسیر بویایی و دیگران به هورمون های جنسی ربط داشتند. با این حال مجموع همه اینها با هم، کمتر از یک درصد در رفتار همجنس گرایی تاثیر نشان داد.

با اینکه همجنس گرایی را ژنتیک تعیین نمی کند -همانطور که این تحقیق نشان می دهد- اما این به آن معنا نیست که همجنس گرایی به نوعی بخشی ذاتی و جدایی ناپذیر از شخصیت افراد نیست.

نظریات مختلفی برای توضیح همجنس گرایی افراد ایجاد شده اند، اما تاکنون هیچ اجماع کاملی بر سر علل ایجاد همجنس گرایی به وجود نیامده است. تحقیقات کنونی نشان می دهند که برهمکنش عواملی مانند ژنتیک، هورمون های زمان جنینی، و اثرات زیستی و محیطی بر شکل گیری گرایش جنسی افراد تاثیر دارند. دانشمندان معتقدند که همجنس گرایی اختیاری نیست و بعضی نیز معتقدند که در زمان جنینی و قبل از تولد شخص ایجاد می شود.

وضعیت حقوق بشر در ایران
مرضیه آدمی فعال حقوق بشر و زنان



با درود به هموعان عزیزم در جای جای این جهان پهناور، که این روزهای بحرانی را پشت سر می گذارند. و با تسلیت به تمامی بازماندگان داغدار اخیر که عزیزانشان را در اثر کرونا از دست داده اند، بخصوص دکترها و پرستاران زحمتگشی که با ایثار و فداکاری شبانه روزی در خدمت رسانی به بیماران کرونایی چیزی کم نگذاشتند و در نهایت به خاطر بی

درایتی و خیانت حاکمان و مسئولان بی لیاقت مملکت و اینکه وسایل و کمکهای پزشکی اهدایی کشورهای خارجی را به جای اینکه در اختیار این قشر زحمتکش و در معرض خطر و مردم قرار دهند، آنها را فرستادن برای عراق و لبنان که یک عمره تمام بودجه و پول و ثروت ملت ایران را در اختیار آنها قرار داده اند و اینچنین با جان مردم ایران بازی میکنند.

ایرانیان عزیز لطفا کسانی که در ارتباط با سازمان ملل متحد و مجامع حقوق بشر و دیگر ارگانهای حامی حقوق ایرانیان هستند، به گوششان برسانید که این دولت ضد بشری و ضد ایرانی هیچیک از کمکهای نقدی و پزشکی را برای هموطنانمان هزینه نکرده و نمیکند و همه آنها را مستقیم برای عراق و حزب الله و حسن نصرالله جنایتکار و تروریستهایشان فرستاده اند و میفرستند، باید بدانید که اینبار بدجوری کمر به قتل همه مردم ایران بسته اند و جان همه ایرانیان در خطر است. تا جایی که پزشکان بدون مرز و کل کمکهایی را که به ایران برده بودند رد کردند و بهشان اجازه ندادند که برای نجات بیماران کرونایی کاری بکنند و وسایل پزشکیشان را بین مردم توزیع کنند، چون میترسیدند که آنها به خیانتهایشان در حق ملت پی ببرند و دنیا بیشتر از این متوجه

جنایاتشان شوند. امروز میخواهم تقدیری کنم از این بانوان کادر پزشکی در ایران

زنان پرستار؛ صف اول درمان و ابتلا

زنان پرستار در صف اول مقابله و درمان کرونا هستند. اما در ایران آمار دقیقی از این زنان درگیر شده کادر درمان با کرونا نداریم. دغدغه ها، نگرانی ها و کمبودهایی که در کارشان پیش آمده و می آید.

زنان کادر درمان در صف اول مقابله با ویروس کرونا قرار دارند. در شانگهای بیش از ۹۰ درصد پرستاران و ۵۰ درصد از پزشکان در مواجهه با ویروس کرونا زن هستند. اکثر کادر درمانی در بیمارستان های چین در زمان شیوع ویروس کرونا زنان بودند، و در استان هوپی چین که مرکز آن شهر ووهان است تخمین زده شده که بیش از ۱۰۰ هزار زن در صف اول کادر درمانی درگیر با کرونا کار می کنند. زنان دچار بیماری های جسمی و روانی حین کار شده اند و بر اساس گزارش تلویزیون مرکزی چین حدود ۳۰ درصد از ۱۵۹۶ زن بیمارستان دانشگاه ووهان از افسردگی و اضطراب رنج می برند.

در ایران اما آمار دقیقی از زنان کادر درمان درگیر شده با ویروس کرونا نداریم، تنها

می‌دانیم که ۹۰ درصد پرسنل پرستاری در مراکز درمانی کشور، زن هستند و تا تاریخ تنظیم این گزارش دست‌کم تعدادی از زنان دکتر و ماما و پرستار در مراکز درمانی ایران جانشان را بر اثر ابتلا به ویروس کرونا از دست داده‌اند؛

«نرجس خانعلی‌زاده» پرستار بیمارستان میلاد لاهیجان،

«ناهید نوشاد» پرستار بازنشسته مرکز آموزشی درمانی رازی و شاغل در بیمارستان گلزار رشت،

«انوشه بیکیان» مامای شاغل در مرکز آموزشی درمانی الزهرا رشت،

«فریبا ایزدپناهی» کارمند اموراداری بیمارستان شهید بهشتی شیراز

و «مولودالسادات جعفری» پرستار بیمارستان فیاض‌بخش تهران.

«میدان» با چند زن شاغل در بیمارستان‌های مختلف کشور گفت‌وگو کرده و از تجربه‌ها، نگرانی‌ها و کمبودهایشان گزارشی تهیه کرده است. امنیت‌شغلی پایین این زنان اجازه انتشار نام آن‌ها را به ما نمی‌دهد و ما صرفاً به شهر محل‌کار این زنان کادر درمانی اشاره می‌کنیم. اخیراً پرستار زنی به نام «عاطفه مسعودی» از بیمارستان امام‌رضا مشهد اخراج شده و هرچند مسئولان دانشگاه علوم پزشکی مشهد گفته‌اند دلیل اخراج او نمره کم ارزشیابی بوده اما دبیرکل خانه‌پرستار در واکنش به اخراج این فعال صنفی می‌گوید «فکر می‌کنم نمره کم ارزشیابی یک توجیه است».

جا دارد از (دکتر نیلوفر نیسی)، ویروس‌شناس در بیمارستان‌های اهواز، با امکاناتی ناچیز و با عزمی راسخ باید نام ببرم.

(مریم موسوی جعفرکلایی)، مامای بیمارستان امام‌ساری که بر اثر کرونا دار فانی را وداع گفت

(تهمینه ادیبی) سرپرستار اورژانس بیمارستان انزلی که در این روزها هر کاری که از دستش برمی‌آید برای بیماران انجام داد که در نهایت خودش اسیر کرونا شد و جان‌ش را از دست داد.



یکی از پرستاران زن در بیمارستانی در قم درباره مشکلات کادر درمانی در مواجهه با ویروس کرونا با ما صحبت کرده است. او

مشکل عمده این روزها را «پذیرش بالا و نیروی کم» می‌داند و در پاسخ به این سوال که «چگونه می‌شود پذیرش بالای بیماران را با توجه به کمبود نیروها مدیریت کرد؟» او می‌گوید: الان بیماران غربال می‌شوند ولی باید آن‌ها هنگام پذیرش غربال‌تر شوند. هرچند نمی‌توان یک عده را نپذیرفت، اما هیچ دستورالعملی برای نحوه پذیرش ابلاغ نشده‌است. ما کمک دولت بیشتر پولی و نهایتاً استخدامی است، اما این کمک‌ها جوابگوی مشکلات فعلی نیستند. حتی معوقات مالی پرستاران را ذره ذره می‌دهند و خجالت هم نمی‌کشند. این پرستار در خصوص نحوه غربال بیماران می‌گوید: بخش ما چهل تخت بدحال داشت. اما می‌شد مثلاً ده بیمار را که حالشان بهتر و روبه‌بهبود است به جاهای دیگر و بهتری منتقل کرد تا امکان پذیرش بیماران بدحال جدید فراهم شود

او درباره نیاز پرستاران زن به مشاوره یا روانشناس در این وضعیت می‌گوید که این طبیعی است که این حجم زیاد از بیماران بدحال آدم را کمی افسرده کند

این پرستار در بیمارستانی در شهر قم کار می‌کند. او در حین گفت‌وگو و پاسخ به سوالی درباره وضعیت سلامت کادر درمانی محل کارش گفت: خدا را شکر فعلاً حال بقیه از من بهتر است. بقیه روحیه و انرژی بیشتری دارند. من کرونا گرفته‌ام. او که خودش احتمال می‌دهد در تاریخ ۲۷ بهمن ماه به ویروس کرونا مبتلا شده باشد، در ادامه گفت‌وگویمان درباره نحوه ابتلایش به این بیماری و وضعیت فعلی سلامت خود می‌گوید: فعلاً در خانه قرنطینه‌ام و درگیریم کم شده. من بیماری زمینه‌ای داشتم. به من گفتند شما بیماری زمینه‌ای دارید و فعلاً نیاید و به اجبار آف شدم. بعد از ده روز که تعداد بیماران زیاد شد گفتند نیرو کم است و بیا، من قبلاً سرطان تیروئید داشتم. سال پیش درمان شدم. جراحی هم کردم و یک سال است که خدا را شکر عود هم نکرده. من قبل از اعلام کرونا سرفه‌هایم شروع شده بود. قلبم تیر می‌کشید. ۲۷ بهمن زنی در بیمارستان ما بستری شد. با تنگی‌نفس شدید و سی‌تی‌اسکن افتضاح. هیچ دکتر عفونی و داخلی کرونا این بیمار را تشخیص نداد. بعد از سه روز دکتر عفونی با دست‌پاچگی گفت: بچه‌ها احتمالاً کروناست. تا آن موقع هنوز از کرونا خبری نبود. حتی خود دکتر هم نمی‌دانست.

من بدون دستکش و ماسک به ویزیت این خانم رفته بودم. نمی‌دانستیم بیماریش چیست. حتی دکتر گفته بود احتمالاً سیل باشد. هنگامی که این خانم بستری شد، من بخش داخلی بودم. بعد از آن رفتم بخش کرونا و در جواب این‌که آیا بیماری که می‌گویید علائم

ویروس کرونا را داشت یا خیر، می‌گوید: اصلاً بحث کرونا هنوز مطرح نشده‌بود. اسمی از کرونا نبود. سه روز درگیر بودیم و نمی‌دانستیم اصلاً کرونا چه شکلی است. « این پرستار زن در مورد این‌که آیا از این بیمار سی‌تی‌اسکن گرفته شد، می‌گوید: «بله آقا. سه تا سی‌تی‌اسکن گرفته شد و آزمایش‌های مشابهی که الان هم همه‌جا می‌گیرند. همه دکترها زوم کرده بودند و می‌گفتند این چه می‌تواند باشد. نمی‌توانستند کرونا را تشخیص بدهند.»

این پرستار زن که هم‌اکنون در قرنطینه خانگی به‌سر می‌برد، نگران نحوه اطلاع‌رسانی درباره صحبت‌هایش در رسانه است و با مزاح می‌گوید: «اگر برای بی‌بی‌سی گزارش می‌گیری طور دیگری صحبت کنم. خواهشاً صحبت‌هایم را تحریف نکن.» او نگران این است که مردم به بیمارستان‌ها بی‌اعتماد شوند و می‌گوید اگر مردم به بیمارستان‌ها بی‌اعتماد شوند دردهایشان را کجا ببرند. او ادامه می‌دهد که: «من قبلاً سرطان تیروئید داشتم و مداوا شدم ولی گفتند که چون مریضی نیا. نروید بگویید بُردند بیمارستان مریضش کردند. این بیچاره‌ها من را آف کردند که دیگر نرم سرکار. بعد که سر کار رفتم، دیدم علامت



دارم. من اعتقاد این نیست که کرونا آمده و کسی پنهانش کرده. فقط آن موقع تشخیصش ندادند. سیستم بهداشت و درمان که دیگر قاتل نمی‌تواند باشد. من دو روز بیشتر نرفتم که افتادم و دیگر نتوانستم کار کنم.» فضای گفت‌وگو را با او عوض می‌کنیم و از او می‌پرسیم که اغلب پرستارها از وضعیت دستمزدشان در نسبت با نیروهای متخصص مراکز درمانی معترض هستند، آیا این دستمزدها کفاف هزینه‌های معیشت پرستاران را می‌دهد؟ در جواب می‌گوید: «من نیروی رسمی‌ام و خرج خانه را نمی‌دهم و راضی‌ام.» وقتی از او می‌پرسیم که پرستاران زنی که مستقل هستند و مخارجشان را خودشان متقبل می‌شوند هم به نظرتان از دستمزدشان راضی هستند، جواب می‌دهد: «از آن‌ها خبر ندارم. اما

تناسب هیچ‌وقت رعایت نشده. من فارغ‌التحصیل پرستاری بیکار ندیده‌ام. پرستاری از رشته‌هایی است که بازار کارش خوب است. هر چند الان بخش ما فول شده و کمبود نیرو داریم

کادر درمانی اما تنها زنان پرستار نیستند. زنان پرسنل‌اداری، مسئولین آزمایشگاه، ماماها، مسئولان بخش‌های دیگر مثل رادیولوژی نیز این روزها درگیر مقابله با کرونا شده‌اند. یکی دیگر از زنانی که در کادر درمانی بیمارستانی در شهر تهران در بخش رادیولوژی مشغول است درباره مشکلات اصلی و «مضاعف شدن کار» کادر درمانی می‌گوید: در زمان بیماری‌های سندروم واگیر چیزی که خیلی مهم است اطلاع‌رسانی به موقع کادر درمان و تهیه وسایل حفاظت‌فردی قبل از بستری است. مسئله‌ای که متأسفانه در ایران عملیاتی نیست. زیرساخت‌های بهداشتی که یکی از مهم‌ترین آن‌ها غربالگری است در سیستم وجود ندارد. همین باعث مضاعف شدن کار کادر درمان در مواجهه با بیماران شده‌است. هجوم بیماران بدون علامت به بیمارستان‌ها جهت چکاپ او درباره حقوق و دستمزد کادر درمانی می‌گوید: «اسم حق و حقوق پرستاران و کادر درمان که می‌آید حرف‌هایی می‌زنند که فقط حرف زده‌باشند. تعرفه‌گذاری‌ها پنج سال است در مجلس دارد، خاک می‌خورد. چندین بار تا به حال مطرح شده اما آخرش چه بر سرش آمده؟ نمی‌دانیم.» درباره نقش تشکلهای موجود در حوزه پرستاری و درمانی از او می‌پرسیم و پاسخ می‌دهد: هیچ تشکلی برای مطالبات کادر درمان هیچ کاری نکرده و نمی‌کند و در واقع آن‌ها می‌خواهند خودشان را پرزنت کنند که بله ما هم هستیم. اما همین که بودجه و پول خوب گیرشان می‌آید همه چیز را فراموش می‌کنند. همان کاری که وزارتخانه می‌کند، تشکلهای هم همان کار را می‌کنند، فراموش می‌کنند

درباره این‌که آیا دستمزد و مساعدت‌های انگیزشی مالی می‌تواند برای ارائه خدمات بهتر در کادر درمانی انگیزه ایجاد کند توضیح می‌دهد: اگر فقط یک روز یکی از مسئولان به جای کادر درمان بیایند سرکار مطمئن هستم که ده برابر همین حقوقی را که الان بهشان می‌دهند هم راضیشان نمی‌کند. حقوق و مزایا آن قدر کم است که اصلاً نوبت به انگیزش نمی‌رسد. جالب است در همین وضعیت وقتی می‌خواهند مساعدت مالی کنند باز از مدیران شروع می‌کنند. و وقتی به کارمندان جزء می‌رسد دیگر چیزی از آن نمی‌ماند. ما در خط مقدم کار می‌کنیم ولی حقوق و مساعدت و تشویق برای کسانی

است که بیرون گود ایستاده‌اند او درباره امکانات و تجهیزات موجود در محل کارش می‌گوید: «مراکز درمانی در ایران طبق اصول استاندارد ساخته نشده‌اند. مشکلات در امکانات رفاهی هم برای پرسنل است هم برای بیماران. مشکل بیماران غالباً کمبود لباس مثل ملحفه، کیفیت پایین غذا، نبود برخی داروها برای درمان، مشکلات تهیه آن داروها با قیمت بالا و کمبود کادر درمان جهت رسیدگی بیشتر است. مشکلات کادر درمانی هم که زیاد است و در این وضعیت از نبود تجهیزات حفاظت فردی بگیر تا ندادن لباس فرم حتی به پرسنل و غذای رایگان به آن‌ها تا همین استرس در دریافت حقوق و مزایا

زن پرستار دیگری که در بیمارستانی در شهر کاشان خدمت می‌کند مشکلات حقوق و مزایای کادر درمانی را جدی می‌داند و در گفت‌وگوی با میدان می‌گوید: اکثر مشکلات بی‌برنامه‌گی و عدم مدیریت صحیح است. ولی آن‌ها مدام از در مزیقه بودن می‌گویند. چه در دادن تجهیزات چه در دادن حقوق و دستمزد. می‌گوییم ماسک و گان بدهید می‌گویند در مزیقه‌ایم. می‌گوییم افزایش دستمزد، می‌گویند در مزیقه‌ایم. او درباره افزایش حقوق و دستمزد کادر درمانی اضافه می‌کند که همین ۵۰ درصد افزایش حقوقی که می‌گویند می‌خواهیم سال بعد اعمال کنیم با توجه به تورم این سال‌ها اصلاً مبلغ قابل‌توجهی برای زنان پرستار نیست. این زنان در بخش‌های سخت و زیان‌آور شاغلند و همین سخت و زیان‌آور بودنشان را هم نمی‌توانند ثابت کنند. هزار تا سنگ جلوی پایشان گذاشته‌اند که نهایتش پرستاران را خسته کنند که بمانند در بیمارستان‌ها و ۳۰ سال در محیط آلوده و زیان‌آور خدمت کنند. همین ۵۰ درصد را خیلی از ارگان‌های دولتی دیگر به شیوه‌های مختلف برای خودشان زنده کرده‌اند. اما وزارت بهداشت فردا، وقتی نوبت به کادر درمانی که اکثراً زن هستند برسد از دادنش شانه خالی می‌کنند

پرستار زن دیگری نیز که در یکی از بیمارستان‌های شهر زنجان کار می‌کند درباره مشکلات زنان کادر درمانی در حوزه تامین تجهیزات می‌گوید: در بیمارستان ما نه به کادر درمان و نه به بیماران مشکوک، به هیچ‌کدام وسایل حفاظت شخصی به اندازه کافی نمی‌دهند و به آن دسترسی هم نداریم. هر شبفت یک عدد ماسک معمولی و یک گان و چند جفت دستکش معمولی. فقط همین. با این‌ها مگر می‌شود از خودمان محافظت کنیم؟ محلول ضد عفونی هم که می‌دهند خدا می‌داند چند درصدش آب است. «او درباره نقش تشکلهای پرستاری در حمایت از کادر

درمانی این‌گونه توضیح می‌دهد: تا حالا اگر کاری از دستشان برمی‌آمد یا می‌توانستند انجام می‌دادند. تا حالا که نتوانسته‌اند بعد از این هم نمی‌توانند کاری برای پرستاران بکنند. فقط خدا باید به دامن برسد. خودمان هم که اعتراض کنیم، می‌گویند همین است نمی‌خواهید بروید بنشینید در خانه‌هایتان

این‌ها صحبت‌های زنانی بود که در صف اول مبارزه با شیوع ویروس کرونا در حال مراقبت، حمایت، درمان، مشورت، مدیریت و هماهنگی جهت سلامت بیماران مبتلا به این ویروس هستند. تعدادی از زنان کادر درمان برای ایفای این نقش‌ها جانشان را از دست داده‌اند. دبیرکل خانه پرستار گفته که میزان این مرگ و میر بسیار بالاست. محمد شریفی مقدم در گفتگو با سلامت نیوز گفته است: «در چین بر فرض اگر از ۶ نفر کادر درمان ۳ نفر پرستار بوده و بر اثر کرونا فوت کرده‌اند. به ازای هر ۲۶ هزار نفر مبتلا، یک پرستار فوت کرده‌است. اما در کشورمان اگر تعداد مبتلایان به کرونا را ۱۶ هزار نفر در نظر بگیریم با توجه به این‌که تا کنون ۱۰ پرستار فوت کرده‌اند باید گفت به ازای هر ۱۶۰۰ نفر مبتلا یک پرستار در کشورمان جانش را از دست داده است. در هیچ‌کجای دنیا چنین آمار و چنین نسبتی وجود ندارد و این نشان از آن است که آمار مرگومیر پرستاران بر اثر کرونا در کشورمان در مقایسه با سایر کشورهای درگیر بسیار بالاست.

پرستاری جزو مشاغل سخت و زیان‌آور است. کار شیفتی در شب، مزایای کم، آلاینده‌های محیطی، احتمال ابتلا به بیماری‌های عفونی، اضطراب و فشار ذاتی کار، صدمات و عوارض متعدد جسمی، حقوق و مزایای کم، حجم زیاد کار و ... دلایلی است که کار زنان پرستار را سخت و زیان‌آور کرده است. این‌بار اما مسأله مرگ و زندگی هم در میان است..

در سال‌های اخیر پرستاران و سایر کادر درمانی بارها از طریق تجمع، اعتراض‌های صنفی و طرح مطالباتشان در نهادهای قدرت، مسائل خود را پیش کشیده و تلاش کرده‌اند صدای خود را به نهادهای تصمیم‌گیرنده برسانند، اما در این روزهای شیوع ویروس کرونا وضعیت کاری آن‌ها سخت‌تر و زیان‌آورتر شده‌است. در این بین، زنان پرستار که ۹۰ درصد پرستاران کشور را تشکیل می‌دهند، با وضعیت بغرنج‌تری روبرو هستند. امروز مسأله فراتر از مطالبات بر زمین مانده پرستاران است. امروز مسأله، امنیت جانی پرستاران است.

هج انقلابی بدون حضور زنان به آزادی و برابری واقعی نمی رسد نشریه سازمان رهایی زن شماره 80

گزارش تصویری از 8 مارس در سراسر دنیا

روز جهانی زن در استانبول ترکیه با اینکه فرماندار استانبول و وزیر امور داخلی ممنون بودن راهپیمایی را اعلام کرده بودند ولی زنان و مردان سوسیالیست آمده آمد تو کوچه پس کوچه های استانبول میدان تقسیم با شعارهای تند این روز را گرامی داشتند

برگزاری 8 مارس روز جهانی زن در سنندج



برگزاری 8 مارس در پاریس

8 مارس در تهران
دختران خیابان انقلاب

برگزاری 8 مارس در برلین



برگزاری 8 مارس روز یونان در کمپ پناهندگان



تظاهرات عظیم هشت مارس در سانتیاگو پایتخت شیلی؛ تخمین زده می شود تا یک میلیون نفر در این مراسم شرکت کردند.



گزارش 8 مارس در بروکسل- بلژیک گزارش از: سعید محمدی

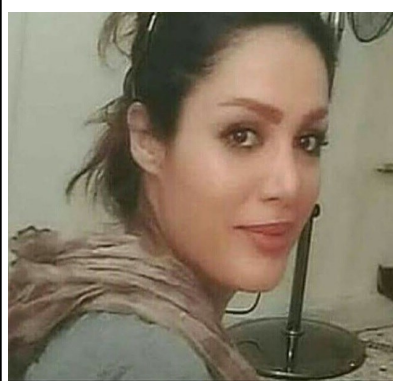
در روز هشتم مارس امسال جمعیت کثیری همچون سالهای قبل در بروکسل پایتخت بلژیک به این مناسبت گرد هم آمدند. آنها آمده بودند تا یاد و خاطره‌ی جان باختگان راه برابری زنان را گرامی بدارند، با مبارزات پر شور زنان در آمریکای جنوبی و دیگر نقاط دنیا اعلام همبستگی کنند و همچنین به دولت های مردسالار حاکم بر دنیا بگویند که میدان خالی نشده و با کشتن و در بند کشیدن فعالین حقوق زنان نمیتوانند صدای آنان را خفه کنند. علیرغم هوای نا مساعد بروکسل و هشدارهای نهادهای بهداشتی مبنی بر خطر شیوع ویروس کرونا، زنان و مردان آزادیخواه با صدای هر چه بلندتر حقوقشان را فریاد زدند و خیابان های شهر را به خروش آوردند. راهپیمایی حدود ساعت چهارده از ایستگاه قطار مرکزی بروکسل (بروکسل سنترال) آغاز شد و به سمت کاخ دادگستری به راه افتاد. پس از توقفی کوتاه در مقابل کاخ، تظاهرات ادامه پیدا کرد و تظاهرکنندگان به سمت ایستگاه مرکزی به راه افتادند. در مسیر راهپیمایی شعارهایی به زبان های مختلف با مضامین ضد مردسالاری و نظام سرمایه داری، سیاستمداران زمامدار این نظام ها، و در حمایت از مبارزات زنان سر داده شد. اعضای "سازمان رهایی زن" نیز مانند هر سال با حمل پلاکارت و پوسترهای این سازمان در این راهپیمایی شرکت کرده و حمایت خود را از مبارزات بهحق زنان در سراسر دنیا نشان دادند.



سازمان رهایی زن
بروکسل - بلژیک
هشتم مارس دو هزار و بیست

پزشکان و پرستاران پس از سیزده تا هجده ساعت شیفت کاری بدون وقفه که جای ماسک صورت هایشان را کبود کرده است.

مادر سپیده فرهان از بازداشت شدگان و معترضین دیماه ۹۶
در صفحه اینستاگرامی اش نوشته:



"امروز ده روزه که سپیده غیرقانونی در زندان اوین بلاتکلیف مانده، بعد از اعلام مرخصی ها و شیوع کرونا بارها از کرج به تهران آمدم برای یک جواب کوتاه تا اینکه بالاخره بگن با مرخصی دخترم موافقت شده و ما می تونیم تو این بحران حداقل سال

تحویل کنار هم باشیم چندین بار رفتم و اومدم تا وثیقه رو قبول کردن اما همچنان خبری از آزادی موقت دخترم نشد، به هر کجا سر زدم، جواب درستی ندادن، بهانه آوردن که نامه به دستمون نرسیده. دخترم رو غیرقانونی تو زندان نگه داشتن کارشکنی می کنن، سند هیچ مشکلی نداره و مهر بازداشت خورده ولی اسدخترم همچنان در زندان با شرایط سخت و بیماری زخم معده و کم خونی شدید نگهداشتن و تو رسیدگی به کارهاش تعلل می کنند.

صدای من و سپیده را به گوش همه برسانید. سپیده من رو آزاد کنید. "جان سپیده فرهان و دیگر زندانیانی که با مرخصی آنها مخالفت شده است در خطر ت.





توصیه های دانشگاه جان هاپکینز برای جلوگیری از آلودگی به ویروس کرونا

دانشگاه جان هاپکینز، توضیحات خلاصه زیر را برای جلوگیری از آلودگی ارسال کرده است:

- ویروس ارگانسیم زنده نیست، بلکه یک مولکول پروتئین است که توسط یک لایه محافظ لیپید (چربی) پوشانده شده است، که در صورت جذب شدن از طریق سلول های مخاطی چشم، بینی یا دهان، کد ژنتیکی خود را تغییر می دهد. (جهش) و آنها را به سلولهای متجاوز و چند برابر کننده تبدیل می کند
- از آنجا که ویروس یک ارگانسیم زنده نیست بلکه یک مولکول پروتئین است، کشته نمی شود بلکه به تنهایی فروپاشی و پوسیدگی پیدا می کند. زمان فروپاشی به دما، رطوبت و نوع ماده ای که در آن قرار دارد، بستگی دارد.
- ویروس بسیار شکننده است. تنها چیزی که از آن محافظت می کند یک لایه خارجی چربی است. به همین دلیل است که برای از بین بردن آن صابون یا مواد شوینده بهترین راه حل است، زیرا چربی را کاهش می دهد (به همین دلیل شما باید برای ایجاد کف بیشتر شست و شو را به مدت 20 ثانیه یا بیشتر ادامه دهید).
- با حل کردن لایه چربی، مولکول پروتئین به تنهایی تجزیه می شود. گرما چربی را ذوب می کند. به همین دلیل استفاده از آب بالاتر از 25 درجه سانتیگراد برای شستن دست ها، لباس ها و همه چیز بسیار خوب است. علاوه بر این، آب گرم باعث ایجاد کف بیشتر می شود و به همین خاطر گرم مفیدتر است.
- الکل یا هر نوع مخلوط الکل بیش از 65٪ چربی ها را حل می کند، به خصوص لایه چربی خارجی ویروس. هر مخلوط با 1 قسمت سفید کننده و 5 قسمت آب به طور مستقیم پروتئین را حل می کند و آن را از داخل می شکند.
- آب اکسیژنه نیز پس از صابون، الکل و کلر به نابدی ویروس کمک می کند، زیرا پراکسید حل کننده پروتئین ویروس است، اما باید از آن به طور خالص استفاده شود که البته به پوست آسیب می رساند.
- مواد ضد باکتری کمی نمی کند. ویروس ارگانسیم زنده مانند باکتری ها نیست. آنها با آنتی بیوتیک از بین نمیروند. اما به سرعت ساختارشان با هر آنچه گفته شد از هم گسیخته میشود.
- هرگز لباس، بشقاب یا پارچه استفاده شده یا استفاده نشده را تکان ندهید. ویروس در حالی که به یک سطح متخلخل چسبیده است، بسیار بی اثر است و فقط بین 3 ساعت روی (پارچه و مواد متخلخل)، 4 ساعت روی (مس، این ماده به طور طبیعی ضد عفونی کننده است؛ و چوب)، 24 ساعت روی (مقوا)، 42 ساعت روی (فلز) و 72 ساعت روی (پلاستیک) باقی می ماند. اما اگر آن را تکان دهید یا گرد گیری کنید، مولکول های ویروس حداکثر 3 ساعت در هوا شناور می شوند و می توانند در بینی شما جای بگیرند.
- مولکولهای ویروس در سرما بسیار پایدار هستند و در سیستمهای تهویه مطبوع در خانه ها و اتومبیل ها. آنها همچنین برای پایداری بیشتر به تاریکی و رطوبت نیاز دارند. بنابراین، محیط های کم آب و خشک، گرم و روشن سریعتر آن را تخریب می کنند
- اشعه ماوراء بنفش: تابش اشعه ماوراء بنفش روی هر شیئی که ممکن است روی آن ویروس باشد، پروتئین ویروس را تجزیه می کند. به عنوان مثال، برای ضد عفونی و استفاده مجدد از ماسک مناسب است
- البته مراقب باشید، چون این اشعه باعث تجزیه کلاژن (که پروتئین است) شده و در نهایت باعث ایجاد چین و چروک و سرطان پوست می شود. ویروس نمی تواند از پوست سالم عبور کند. سرکه مفید نیست زیرا باعث از بین رفتن لایه محافظ چربی نمی شود.
- نوشیدنی الکلی، ودکا ... مصرف نکنید. قوی ترین ودکا 40٪ الکل دارد درحالی که برای از بین رفتن ویروس به 65٪ الکل نیاز است
- هرچه فضا محدودتر باشد، غلظت ویروس بیشتر می شود. هرچه هوای بازتر باشد یا به طور طبیعی تهویه شود، غلظت ویروس کمتر است.
- بسیار سفارش شده که شما باید قبل و بعد از لمس مخاط، مواد غذایی، قفل ها، دستگیره ها، سوئیچ ها، ریموت، تلفن همراه، ساعت، رایانه، میز، تلویزیون و غیره دست خود را بشویید و هنگام استفاده از سرویس بهداشتی.
- شما باید برای دستهایتان که در اثر شستشوی زیاد دچار خشکی شده اند از مرطوب کننده استفاده کنید. زیرا ویروس می تواند در میکرو ترک ها پنهان شود. هرچه مرطوب کننده ضخیم تر باشد، بهتر است همچنین ناخن های خود را کوتاه کنید تا ویروس در آنجا پنهان نشود

کرونا را جدی بگیریم. برای کمک به کادر درمانی و سلامتی خود و عزیزانمان در خانه بمانیم

مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهایی زن را می توانید از طریق آدرس

های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه های تلویزیونی و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

@rahaizan

تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت

20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید پهنده

تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd

HoT BIRD

Frequency 11541 vertical

Symbol Rate: 22000

PoI V

FEC 5.6



برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: motiei_rojan@yahoo.com

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: firouzeh.farrahi@yahoo.com

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلاپر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: MinoHemati@GMail.com

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ: وریا نقشبندی

تلفن تماس: 0046705827583

0046705827583

ایمیل: verya.1360@gmail.com

سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: sara_tina2003@yahoo.com

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: Sharahrezaei.p@gmail.com